



بررسی رابطه ی هوش های معنوی، شناختی و هیجانی با رضایت زناشویی دانشجویان

فریناز امیدی*^۱

سعید بختیارپور^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش های معنوی، شناختی و هیجانی با رضایت زناشویی دانشجویان صورت گرفت. **روش:** در این پژوهش از روش تحقیق همبستگی استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۱۲۰ نفر از جامعه مذکور می باشد که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده گردید. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه های هوش معنوی (امرام و درایر)، هوش هیجانی (شات و همکاران)، هوش شناختی ریون پیشرفته و رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است.

یافته ها: نتایج بیانگر این است که بین هوش معنوی، هوش هیجانی و هوش شناختی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. هم چنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین هوش های سه گانه با رضایت زناشویی دانشجویان رابطه ای چندگانه وجود دارد.

نتیجه گیری: متغیرهای هوش معنوی، هوش شناختی و هوش هیجانی به ترتیب با ضریب بتای ۰/۰۷، ۰/۱۵ و ۰/۳۶ می توانند به طور مثبت و معنی داری رضایت زناشویی دانشجویان را پیش بینی کنند. همچنین، ۲۰٪ از واریانس رضایت زناشویی دانشجویان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود.

کلید واژه ها: هوش معنوی، هوش شناختی، هوش هیجانی و رضایت زناشویی.

۱- نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات یزد Email : psychoom55@ymail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز



مقدمه

نه تنها بهداشت روانی تحقق نیابد، که اثرات منفی و حتی گاهی جبران ناپذیر آن می‌تواند منجر به اختلالات عصبی، افسردگی و حتی خودکشی شود (بخشایش، ۱۳۹۳). لازمه حفظ روابط زناشویی، تعهد، حساسیت، سخاوت، ملاحظه، صمیمیت، وفاداری، مسئولیت، اعتماد و اطمینان می‌باشد. زن و شوهر به همکاری، مودت و حسن تفاهم نیاز دارند. باید انعطاف پذیر، پذیرنده و بخشنده باشند، باید خطاهای یکدیگر را تحمل کنند و به خصوصیات هم بها بدهند. تنها در صورت وجود این خصوصیات و تقویت آن‌هاست که به مرور ایام، ازدواج به بلوغ و خودشکوفایی می‌رسد (بک^۱، به نقل از نوروزی فرد، ۱۳۹۰).

رضایت زناشویی، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی موفق، سالم و شاد محسوب می‌شود. میلیون‌ها انسان با مهر و عشق، زندگی مشترک خود را شروع می‌کنند و آنچه بعد از ازدواج روابط زوج‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رضایت زناشویی است. در صورت عدم رضایت زناشویی یا میزان پایین آن، در جو خانواده اختلال ایجاد می‌شود. لیکن در صورت وجود رضایت زناشویی، بین زوجین علاقه و سرگرمی خواهد بود و خانواده‌ای سالم و بالنده ایجاد می‌شود و فرزندان از بودن در این محیط صمیمی به خود می‌بالند و در آینده پدر و مادری شایسته و توانا خواهند شد (بابازاده، ۱۳۹۲).

رضایت زناشویی، تجربه شخصی در ازدواج است، که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قابل ارزیابی است. باور بر این است که رضایت زناشویی به انتظارات افراد بستگی دارد و می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با موفقیت فرد در زندگی خانوادگی و حرفه‌ای وی داشته باشد. فردی که از رضایتمندی زناشویی بالایی برخوردار است به دلیل وجود این مسئله در معرض یک سری تعهدات اخلاقی شدید قرار می‌گیرد؛ زیرا می‌داند کیست و چه جایگاهی در کانون خانواده دارد، از زندگی چه می‌خواهد، نقاط قوت و ضعف خویش را می‌شناسد و در برخورد با دیگران نهایت دقت را از خود نشان می‌دهد (احمدوند، به نقل از نوروزی فرد، ۱۳۹۰). الیس^۲ (به نقل از بابا زاده، ۱۳۹۲)، رضایتمندی زناشویی را حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش می‌داند. این نظریه نظریه پرداز، رضایت زناشویی را لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر در زمانی می‌داند که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر گرفته باشند.

برای چندین دهه است که رضایت زناشویی مورد مطالعه قرار گرفته است. محققان به هنگام مطالعه این مبحث در طول ازدواج دریافتند که این سازه، تمایل به پیروی از مسیر U شکل دارد. در طی مراحل اولیه ازدواج، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد و ۱۰ تا ۲۰ سال بعد رو به کاهش می‌گذارد و بعد از این که فرزندان خانه را ترک می‌کنند زوجین مجال بیشتری برای تقویت رابطه زناشویی و صمیمیت بیشتر می‌یابند. تحقیقات انجام شده در زمینه کاهش اولیه در میزان رضایت زناشویی، U شکل بودن این روند را ثابت کرده‌اند اما پاسخ‌های محکمی در زمینه این تغییر ارائه نداده‌اند. این کاهش میزان رضایت زناشویی، غالباً به افزایش استرس در طول این دوران (اواسط دوران زناشویی) مرتبط است. استرس‌هایی چون کنار آمدن با رسیدن فرزندان به سن جوانی، مراقبت از والدین سالخورده، احساس پوچی، مسائل مالی و بازنشستگی (هابر، ناوارو و مبل و مام^۳، به نقل از نوروزی فرد، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه و استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در صورت توجه به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایتمندی زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و در کل، جامعه، کاهش می‌یابد. هم چنین با ارتقاء سطح رضایتمندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و

1Beck

2Ellis

3Huber, Navarro, Womble & Mumme



تعالی خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خواهند پرداخت و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد (ثنایی، به نقل از نوروزی فرد، ۱۳۹۰).

شواهد فراوان نشان می‌دهند که زوجین در جامعه امروز، برای برقراری و حفظ رابطه صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان، به مشکلات متعددی دچار هستند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، اثرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها خواهد داشت که می‌توان به کمبودهایی در توانایی خودآگاهی، خویشتن داری، همدلی و توان تسکین دادن یکدیگر اشاره کرد (محرابیان، ۲۰۰۰).

لازمه کمک به زوجین در راستای حل مشکلات زناشویی، شناخت علل و عوامل موثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است. بنابه پژوهش‌های صورت گرفته، عوامل متعددی در این مسیر تاثیر گذارند که در این بین می‌توان به نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی، هیجان‌ها و... اشاره کرد (سلیمانی و محمدی، ۱۳۸۸).

تحقیقات متعدد انجام شده تا کنون نشان می‌دهد که عدم رضایت از زندگی زناشویی بیش از هر مشکل دیگری ارجاع جهت دریافت مراقبت‌های بهداشت روانی بوده است. در این میان، تحقیقات بسیاری در زمینه رابطه انواع مختلف هوش با رضایت زناشویی صورت گرفته تا سهم هر یک از انواع هوش در افزایش و یا کاهش میزان رضایت زناشویی مشخص گردد. شرونک و پلاکوا^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شباهت زوجین از نظر ویژگی‌های شخصیتی، باورها، اعتقادات و به ویژه اعتقادات مذهبی بر رضایت زناشویی آنها تأثیر مثبت دارد. در واقع این پدیده، عمر زن و شوهر را طولانی‌تر و باعث افزایش سلامت جسمانی و روانی، پیشرفت اقتصادی و رضایت از کل زندگی می‌گردد. سازگاری و رضایت زناشویی از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش و درک متقابل و ارضای نیازها ایجاد می‌گردد.

تا چند سال اخیر روان‌شناسان پاسخ روشنی برای این سؤال که چه عاملی می‌تواند تا حد زیادی موفقیت و خوشبختی فرد را پیش بینی کند، نداشتند. پس از تحقیقات زیاد معلوم شد که توانایی احساسی فرد نه تنها مهم‌تر از توانایی ذهنی اوست، بلکه نقش بسزایی نیز در موفقیت، کار، روابط با دیگران و حتی سلامت جسمی فرد دارد (گلمن، کاپلان^۲، به نقل از ابراهیمی کوه بنانی، ۱۳۹۰). هوش هیجانی در واقع یک هوش غیر شناختی است که از نظر تاریخی ریشه در مفهوم هوش هیجانی دارد و برای اولین بار توسط ثرندایک^۳ (۱۹۲۰) مطرح شده است. به عقیده ثرندایک، هوش هیجانی توانایی مهم و مدیریت انسان‌ها برای عمل به شیوه‌ای خردمندانه در روابط انسانی است (خشوعی، ۱۳۸۷). هوش دیگری به غیر از هوش هیجانی وجود دارد که عده‌ای از صاحب نظران آن را هوش معنوی نامیده‌اند. هوش معنوی بر خلاف هوش هیجانی که در پستانداران دیده می‌شود، فقط برای انسان مطرح است. با استفاده از هوش معنوی می‌توان میل و قابلیت فرد را برای رسیدن به مقصود و ارزش رشد داد. هوش معنوی به فرد اجازه می‌دهد که توان رویارویی با این قابلیت‌ها را داشته باشد و برای رسیدن به این قابلیت‌ها سخت تلاش کند. هوش معنوی زیر بنای باورهای فرد را تشکیل می‌دهد و هم چنین نقشی که این باورها و ارزش‌ها در کنش‌های فرد داشته و به زندگی وی شکل می‌دهند، در هوش معنوی متبلور می‌شود (ابراهیمی؛ به نقل از ابراهیمی کوه بنانی، ۱۳۹۰).

با توجه به پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه رضایت زناشویی، عامل هوش می‌تواند در افزایش یا کاهش میزان رضایت زناشویی مؤثر باشد. لیکن در تحقیقات صورت گرفته، بیشتر رابطه یک یا دو نوع از انواع هوش‌های معنوی، شناختی و هیجانی با رضایت زناشویی سنجدیده شده است. تحقیقات در مورد هوش شناختی و رضایت زناشویی نیز بیشتر در زمینه مهارت حل مسأله و کمتر در سایر حیطه‌های هوش شناختی صورت گرفته است. لذا با توجه به اهمیت روزافزون مقوله هوش، به ویژه هوش‌های معنوی

1. Chronc & Plahakova.a.
2. Kaplan
3. Thorndike



و هیجانی و هم چنین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی زوجین، در این پژوهش، سعی بر آن است که به بررسی رابطه ساده و چندگانه بین هوش‌های معنوی، شناختی و هیجانی با رضایت زناشویی پرداخته شود. لذا فرضیات پژوهش حاضر بر اساس روابط ساده هوش‌های سه گانه و خرده مقیاس‌های آنها و رابطه چندگانه هوش‌های سه گانه با رضایت زناشویی در میان دانشجویان مطرح خواهد بود.

مواد و روش

از آنجا که در پژوهش حاضر، مداخله یا دستکاری آزمایشی صورت نگرفته است، طرح پژوهش در زمره طرح‌های توصیفی جای می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۱۱۵ نفر از دانشجویان (۷۵ زن و ۴۰ مرد) می‌باشد که به روش تصادفی طبقه ای از بین کلیه دانشکده‌ها انتخاب شدند که بیشترین فراوانی را در گروه سنی ۲۷ تا ۳۳ سال به خود اختصاص دادند (۳۲/۲ درصد). همچنین، درصد فراوانی مدرک تحصیلی دانشجویان برای مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد، به ترتیب ۱۵/۷، ۳۴/۸ و ۴۹/۶ می‌باشد.

ابزار پژوهش

مقیاس هوش معنوی (ISIS). توسط امرام و درایر در سال ۲۰۰۷ ساخته شد و شامل دو فرم کوتاه و بلند است که فرم بلند آن دارای ۸۳ آیتم و ۲۲ خرده مقیاس و فرم کوتاه آن شامل ۴۵ آیتم است که ۴۴ آیتم آن ۲۲ توانایی را می‌سنجد و یک آیتم نیز اعتبار است؛ لذا در مجموع فرم کوتاه ۴۵ آیتم دارد. امرام و درایر (۲۰۰۷) اعتبار و پایایی این مقیاس را محاسبه نمودند. اعتبار این آزمون از یک نمونه ۲۴۰ نفری به دست آمد که فرم کوتاه با تمام نمرات فرم بلند ISIS همبستگی ۰/۹۹ را نشان داد. همبستگی-های فرم کوتاه و فرم بلند دامنه‌ای از ۰/۹۴ تا ۰/۹۸ را برای هر حوزه مقیاس و از ۰/۸۲ تا ۱/۰۰ برای هر ۲۲ توانایی خرده مقیاس به دست داد. در ایران برای اولین بار نادری و روشنی در پژوهشی فرم کوتاه این مقیاس را بر روی نمونه‌ای از سالمندان اجرا کردند که ضریب پایایی آن از طریق دو روش آمار آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس به ترتیب برابر ۰/۸۸ و ۰/۷۵ و روایی همزمان این مقیاس با مقیاس نگرش مذهبی برابر ۰/۴۱ به دست آمد.

پرسش نامه خودسنجی هوش هیجانی شات (۱۹۹۸): این پرسش نامه ۳۳ ماده‌ای بر اساس مدل نظری سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی ساخته شده است و هر سه مؤلفه هوش هیجانی را که عبارتند از: ارزیابی و ابراز هیجانی، تنظیم هیجانی و بهره برداری از هیجان را می‌سنجد. ارزیابی این موارد در یک مقیاس ۵ درجه ای صورت می‌گیرد (خسرو جاوید؛ به نقل از عسگری، ۱۳۸۸). خسرو جاوید (۱۳۸۱) در پژوهش خود، روایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۱ بدست آورد. همچنین، تحلیل عامل مقیاس با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سه عامل تنظیم هیجانی ($\alpha = 0.78$)، ابراز و ارزیابی هیجانی ($\alpha = 0.6$) و بهره برداری از هیجان ($\alpha = 0.50$) را پیشنهاد داد. در تحقیق بفخم (۱۳۸۷)؛ به نقل از عسگری، (۱۳۸۸)، برای تعیین روایی پرسشنامه هوش هیجانی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۶۰ و ۰/۴۱ می‌باشد.

آزمون هوش شناختی ریون پیشرفته: برای ارزیابی بهره هوشی افراد از تست هوشی ریون بزرگسال استفاده شد که به آن ماتریس‌های پیش رونده ریون نیز می‌گویند. مقیاس معتبری از هوش کلی به دست می‌دهد و اعتبار و پایایی آن با مقادیر بالایی گزارش شده است. براهنی (به نقل از رحمانی، ۱۳۸۴) ضرایب ثبات درونی آزمون را با ۵۰۰ آزمودنی بزرگسال در سنین مختلف در



آمریکا بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۷ گزارش کرده است. اعتبار این آزمون را به روش بازآزمایی پس از یک ماه و سه ماه به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۱ و ۰/۷۸ گزارش نمود.

پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ: پرسش نامه انریچ توسط اولسون، فورنیر^۱ و دراکمن^۲ (۱۹۸۹) در آمریکا با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پربراری روابط زناشویی ساخته شده است که دارای ۱۱۵ گویه مشتمل بر ۱۲ خرده مقیاس می‌باشد. فرم کوتاه این پرسش نامه دارای ۴۷ سؤال است که به وسیله سلیمانان (۱۳۷۳) اعتبار یابی شده است و همان ۱۲ خرده مقیاس را شامل می‌شود (به نقل از عسگری، ۱۳۸۸). شریف نیا (به نقل از عسگری، ۱۳۸۸)، همبستگی پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ را با پرسشنامه سازگاری زوجی (FAD)، ۰/۹۲ به دست آورد. عبدالله زاده (به نقل از عسگری، ۱۳۸۸)، آلفای کرونباخ پرسش نامه انریچ را ۰/۹۳ گزارش کرده است.

یافته‌ها

پیش از پرداختن به یافته‌های استنباطی، شاخص‌های توصیفی شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری متغیر
۱۸/۷۲	۱۸۸/۱۱	هوش معنوی
۴/۴۱	۲۴/۵۰	هوش معنوی در زمینه هوشیاری
۶/۳۸	۵۴/۵۳	هوش معنوی در زمینه توفیق
۲/۲۴	۱۵/۲۳	هوش معنوی در زمینه معنا
۶/۷۱	۴۵/۸۷	هوش معنوی در زمینه تعالی
۵/۶۵	۴۷/۹۸	هوش معنوی در زمینه حقیقت
۱۲/۷۸	۱۲۹/۱۵	هوش هیجانی
۷/۳۱	۵۰/۴۷	هوش هیجانی در زمینه ابراز و ارزیابی هیجانی
۵/۱۷	۴۲/۱۰	هوش هیجانی در زمینه تنظیم هیجانی
۴/۹۹	۳۶/۵۸	هوش هیجانی در زمینه بهره برداری هیجانی
۲۰/۷۱	۱۱۴/۳۰	هوش شناختی
۲۶/۲۴	۱۷۲/۶۵	رضایت زناشویی
۲/۵۴	۱۷/۵۵	رضایت زناشویی در زمینه موضوعات شخصیتی
۴/۱۸	۱۸/۸۵	رضایت زناشویی در زمینه ارتباط زناشویی
۳/۴۹	۱۷/۱۳	رضایت زناشویی در زمینه حل تعارض
۳/۸۶	۱۹/۰۳	رضایت زناشویی در زمینه مدیریت مالی

1. Fornier
2. Drankmen



۳/۶۳	۱۷/۳۳	رضایت زناشویی در زمینه فعالیت های اوقات فراغت
۳/۶۶	۱۹/۸۶	رضایت زناشویی در زمینه روابط جنسی
۳/۷۱	۱۹/۳۳	رضایت زناشویی در زمینه ازدواج و فرزندان
۲/۹۱	۱۵/۸۳	رضایت زناشویی در زمینه اقوام و دوستان
۳/۶۷	۲۰/۲۸	رضایت زناشویی در زمینه جهت گیری مذهبی

چنانچه در جدول ۱ ملاحظه می شود میانگین هوش معنوی، هوش هیجانی و هوش شناختی به ترتیب ۱۸۸/۱۱، ۱۲۹/۱۵ و ۱۱۴/۳ است. برای بررسی فرضیات پژوهش مبنی بر رابطه بین هوش های سه گانه و خرده مقیاس های آنها با رضایت زناشویی از روش همبستگی ساده پیرسون (جدول ۲) استفاده گردید.

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین هوش های سه گانه و خرده مقیاس های آنها با رضایت زناشویی

متغیر ملاک	شاخص آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنیداری (p)
رضایت زناشویی	هوش معنوی	۰/۲۸	۰/۰۰۲
	هوش معنوی در زمینه هوشیاری	-۰/۰۱	۰/۹۶۲
	هوش معنوی در زمینه توفیق	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱
	هوش معنوی در زمینه معنا	۰/۱۴	۰/۱۲۰
	هوش معنوی در زمینه تعالی	۰/۱۳	۰/۱۵۱
	هوش معنوی در زمینه حقیقت	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱
	هوش شناختی	۰/۱۸	۰/۰۵۰
	هوش هیجانی	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱
	مؤلفه ابراز و ارزیابی هیجانی	۰/۳۰	۰/۰۰۱
	مؤلفه تنظیم هیجانی	۰/۳۸	۰/۰۰۰۱
	مؤلفه بهره برداری هیجانی	۰/۲۳	۰/۰۱۱

همانگونه که از جدول شماره ۲ قابل استنباط است اکثر روابط در سطح معنی داری مطلوبی با رضایت زناشویی قرار دارند. عبارت دیگر، رابطه بین هوش معنوی در زمینه هوشیاری ($I=-0/01$) و در زمینه معنا ($I=-0/14$) و تعالی ($I=-0/13$) که سه خرده مقیاس هوش معنوی می باشند، با رضایت زناشویی رابطه معنی داری ندارند. به منظور بررسی رابطه چندگانه بین هوش های سه گانه و رضایت زناشویی، از تحلیل رگرسیون به روش مرحله ای و ورود مکرر استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.



جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین رضایت زناشویی با روش ورود مکرر و مرحله ای

روش ورود	متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	p	β	t	p
ورود	هوش معنوی	۰/۴۵	۰/۲۰	۹/۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷	۰/۷۰۹	۰/۴۸۰
	هوش هیجانی	۰	۰/۳۶					
	هوش شناختی	۰	۰/۱۵					
مرحله ای	هوش هیجانی	۰/۴۲	۰/۱۷	۱/۹۳ ۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	۴/۸۹	۰/۰۰۰۱

همان گونه که در جدول ۳ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی رضایت زناشویی دانشجویان از روی متغیرهای هوش معنوی، هوش هیجانی و هوش شناختی معنی دار می باشد ($F=9/33$ و $p<0/0001$). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می گردد. متغیر هوش هیجانی با ضریب بتای ۰/۳۶ می تواند به طور مثبت و معنی داری رضایت زناشویی دانشجویان را پیش بینی کند. همچنین، مقدار R^2 نشان می دهد ۲۰٪ از واریانس رضایت زناشویی دانشجویان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نیز نشان داده است که تنها متغیر هوش هیجانی پیش بینی کننده رضایت زناشویی دانشجویان می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از اجرای این پژوهش، بررسی رابطه هوش های سه گانه شناختی، معنوی و هیجانی با رضایت زناشویی در بین دانشجویان دانشگاه اسلامی اهواز بود. یافته های پژوهش حاکی از تایید اکثر روابط ساده و تایید روابط چندگانه بود. نتایج پژوهش حاضر با یافته های محمدیان و همکاران (۱۳۹۲)، رقیبی و قره چاهی (۱۳۹۲)، رستمی و چراغعلی گل (۲۰۱۲) و الکس و همکاران (به نقل از حسین دخت و همکاران، ۱۳۹۲)، تامارن کارن (۲۰۱۰) و زیدنر و کلودار (۲۰۱۲) همسو و هماهنگ است.

هوش معنوی سازه های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می کند (اموز، ۲۰۰۰)، و بیانگر مجموعه ای از توانایی ها و ظرفیت های منابع معنوی می باشد که کاربست آن در زندگی روزانه می تواند موجب افزایش انطباق پذیری فرد شود. هوش معنوی موجب می شود که انسان با ملایمت و عطفوت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد (الکینز؛ به نقل از صمدی، ۱۳۸۵).

معنویت نقش مهمی در رضایت زناشویی دارد. به این ترتیب که عقاید و اعمال مذهبی از لحاظ درون فردی، فرد را قادر می سازد که از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشم خود را کنترل کند و به او کمک کند که مسئولیت اعمال خود را در تعارض ها بپذیرد. از لحاظ بین فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می کند که فرد در هنگام خشم، به خدا توجه کند و حمایتی برای هر دو زوج ایجاد می کند، که از تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. هوش معنوی به ما اجازه می دهد تا آنجا که ممکن است موقعیت را تغییر دهیم و یا بهتر مدیریت کنیم. رشد هوش معنوی اجازه می دهد که بینش جدیدی درباره ی خود و افزایش اعتماد به نفسمان به



دست بیاوریم و کمک می‌کند که خود ثباتی داشته باشیم و نگرانی‌ها و اضطراب‌ها را کاهش دهیم و می‌توان به طور عمیق‌تر با دیگران و از جمله همسرمان ارتباط برقرار کنیم (کینگ، ۲۰۰۸)، که این موضوع با رضایتمندی زناشویی افراد در ارتباط می‌باشد.

همچنین، می‌توان گفت از آنجا که فرد با ایمان دارای ارتباطات و باورهای معنوی است، کمتر احساس پوچی و تنهایی می‌کند و هوش معنوی دسترسی انسان به معنا و ارزش و نیز استفاده از آنها در شیوه اندیشیدن و تصمیم گرفتن را فراهم می‌سازد. بنظر می‌رسد افراد دارای هوش معنوی بالا کمتر دچار اختلافات می‌شوند و از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.

فرضیه‌های مربوط به خرده مقیاس‌های هوش معنوی برخلاف تصور و با وجود اینکه فرضیه کلی پژوهش تأیید شده بود، مورد پذیرش واقع نگردیدند؛ زیرا این فرضیه‌ها کاملاً مرتبط با هوش معنوی کلی می‌باشند. می‌توان گفت که افرادی که دیدگاهی معنوی دارند، نسبت به تغییر پذیراتر بوده، در زندگی خود احساس هدفمندی و معنا دارند، اهمیت اتصال به یک کل بزرگ‌تر را می‌فهمند، و ادراک و بیانی فردی از معنویت خود دارند و با زندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سؤالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می‌شود. همچنین، هوش معنوی برای حل مسائل و مشکلات مربوط به معنای زندگی و ارزش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و بیشتر در آن زمینه می‌تواند تأثیر گذار باشد.

کنتل، هوش شناختی یا IQ را با توجه به توانایی یا استعداد کسب شناخت‌های تازه و سپس تراکم شناخت‌ها در طول زندگی (یعنی کاربرد شناخت‌های قبلی در حل مسائل) بدین‌صورت تعریف می‌کند: مجموعه استعدادهایی که با آن‌ها شناخت پیدا می‌کنیم، شناخت‌ها را به یاد می‌سپاریم و عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ را به کار می‌بریم تا مسائل روزانه را حل کنیم و با محیط ثابت و در حال تغییر سازگار شویم. راهبردهای عملکردی انسان‌ها، ترکیبی از هوش شناختی با هوش هیجانی غیرشناختی می‌باشد و از آنجا که هوش هیجانی رابطه بسیار قوی با هوش شناختی دارد، لذا به دانشجویان متأهل کمک می‌کند که بهترین عملکرد را در زندگی زناشویی داشته باشند و از این طریق به رضایتمندی زناشویی دست یابند. این دو هوش پایه و اساس اثربخشی و رسیدن به حداکثر توان پتانسیل در بین همسران و رضایتمندی آنها از زندگی زناشویی می‌باشد. از آنجا که هوش شناختی پس از ۱۸ سالگی ثابت می‌ماند، احتمالاً عملکرد افراد و رضایتمندی آنها از زندگی زناشویی شان مربوط به هوش هیجانی آنها می‌باشد، و هوش هیجانی دو برابر هوش شناختی بر زندگی زناشویی افراد تأثیر می‌گذارد. گلمن معتقد است که هوش شناختی در بهترین شرایط تنها ۲۰ درصد از موفقیت‌ها را در زندگی باعث می‌شود و ۸۰ درصد از موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها در زندگی در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهد، زیرا هوش شناختی قابل افزودن نیست. بر اساس آنچه در بخش یافته‌ها به دست آمد، بین هوش شناختی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این می‌تواند متأثر از استعدادهای ژنتیکی، شیوه‌های فرزندپروری والدین، همکاری و تشریک مساعی خانواده در ارتقا سطح هوشی فرزندان و تأثیر آن در زندگی آینده شان باشد. لذا، افرادی که از هوش شناختی بالایی برخوردارند، دنیا را مکانی امن و با توانمندی بالا فرض می‌کنند و با پشتکار و تلاش سعی می‌کنند آنچه را در این دنیا نیاز دارند، به دست آورند، که با توجه به توضیحات دانشجویان متأهل از رضایت زناشویی نسبتاً بالایی برخوردارند.

از سوی دیگر، دانشجویان متأهلی که توانایی شناختی و فهم هیجانات خود را دارند، از تأثیر آنها بر همسرشان نیز آگاهند و از آنجا که خودآگاهی اساس مدیریت بر احساسات خود و هدایت دیگران می‌باشد، چنین افرادی در مهار و مدیریت هیجانات خود و همسرشان تواناترند و به لحاظ احساسی رضایت زناشویی بیشتری خواهند نمود. این نکته تأیید می‌کند که افرادی که توانایی تنظیم هیجانات خود را دارند، و بر نحوه ابراز احساسات خود نسبت به همسرشان نظارت دارند، رضایت زناشویی بیشتر را در زندگی مشترکشان تجربه می‌کنند. دانشجویان متأهلی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردار باشند، از مهارت اجتماعی بالاتری نیز بهره‌مند می‌باشند، بنابراین، چنین افرادی با استفاده از روش‌های مؤثر و کارآمد می‌توانند روابط بین فردی خصوصاً روابط زناشویی را به



خوبی مدیریت کنند و همسرانی مفید و مؤثر باشند. همچنین، می‌توان به عقیده ثرندایک، اشاره کرد که هوش هیجانی را توانایی مهم مدیریت انسان‌ها برای عمل به شیوه‌ای خردمندانه در روابط انسانی می‌داند (خشوعی، ۱۳۸۷).

نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نشان داده است که تنها متغیر هوش هیجانی پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی دانشجویان می‌باشد. بنابراین، می‌توان چنین اظهار داشت که یکی از جنبه‌هایی که هوش هیجانی تأثیر فوق العاده‌ای بر موفقیت در آن دارد، ازدواج و زندگی زناشویی است. به عبارتی اگر چنانچه زمینه‌ای وجود داشته باشد که هوش هیجانی در آن اهمیت دارد، آن زمینه ازدواج است، زیرا بنیاد و اساس رضایت از روابط به توانایی فهم و کنترل هیجانات بستگی دارد؛ و جزء مهمی از رضایت زناشویی، آگاهی فرد از هیجانات همسرش و احترام به آن هیجانات است و رابطه عاطفی نقشی بسیار مؤثر و مستقیم در برقراری رابطه زناشویی دارد. به میزانی که دو نفر همدیگر را دوست دارند و رابطه عاطفی قوی را تجربه می‌نمایند، می‌توانند از رابطه زناشویی هم لذت بیشتری ببرند و تفاوت بین افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند و افرادی که هوش هیجانی متوسط دارند این است که افرادی که دارای هوش هیجانی بالاتر، خیلی خوب بر حرکات خود مسلط هستند و با به کار بردن هر کدام از حرکات به مقصود خود می‌رسند و ابراز عواطف، بخشی از هوش هیجانی افراد است. مشاوران خانواده، متخصصین خانواده درمانی و درمانگران جنسی (سکس تراپیست) با در نظر داشتن یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توانند در برنامه‌های درمانی مبتنی بر افزایش رضایتمندی زناشویی و جنسی به نقش هوش هیجانی، و هوش معنوی و شناختی نیز توجه نمایند. همچنین، از رسانه‌های گروهی، به ویژه تلویزیون به عنوان پر مخاطب‌ترین رسانه نیز در این راستا می‌توان بهره جست. بعلاوه، به اهمیت مطرح کردن برنامه‌های مداخله آموزشی به صورت برنامه‌های راهبردهای پیشگیری اولیه و ثانویه می‌توان پی برد. بنابراین، با به کارگیری برنامه‌های آموزشی و مشاوره زناشویی در رفع یا تضعیف عوامل زمینه‌ساز مشکلات دانشجویان متأهل، قادر به برداشتن گام اساسی خواهیم بود.

منابع

- ابراهیمی کوه بنانی، ش. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در دانش آموزان تیز هوش دختر دبیرستانی در شهر بیرجند، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائنات.
- بابازاده، ر. (۱۳۹۲). روان شناسی زندگی زناشویی، تهران، تیموری، چاپ اول.
- بخشایش، ع. (۱۳۹۳). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*. سال پنجم، شماره ۲، صص. ۶۹-۸۴.
- حسین دخت، آ؛ فتحی آشتیانی، ع. و تقی زاده، م. ا. (۱۳۹۲). رابطه ی هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی، *روان شناسی و دین، سال ششم، شماره دوم*، صص. ۷۴-۵۷.
- خشوعی، م. (۱۳۸۷). رابطه ی بین هوش هیجانی و شوخ طبعی در دانشجویان دانشگاه، *مطالعات روان شناسی*، دوره ی ۹، شماره ی ۲، صص. ۹۵-۱۱۱.
- رحمانی، ج. (۱۳۸۴-۸۵). پایایی، روایی و هنجاریابی آزمون ماتریس های پیشرونده ی ریون پیشرفته در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- رستمی، ا. م. و چراغعلی گل؛ ه. (۲۰۱۲). پیش بینی رضایت مندی زناشویی مبنی بر هوش معنوی، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن*.



- رقیبی، م. و قره چاهی، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۱.
- سلیمانی، ا. ا. و محمدی، ع. (۱۳۸۸). مطالعه رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی. مجله پژوهش نامه تربیتی. سال پنجم شماره ۱۹؛ صص. ۱۵۰-۱۳۱.
- سلیمانیان، ع. ا. و محمدی، ا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه ی هوش هیجانی و رضایت زناشویی. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۱۹.
- صمدی، پ. (۱۳۸۵). هوش معنوی، اندیشه های نوین تربیتی دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه الزهراء، دوره ۲، شماره ی ۳ و ۴، صص. ۹۴-۱۱۴.
- عسگری، پ. (۱۳۸۸). راهنمای آزمون های روان شناختی، اهواز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- نوروزی فرد، م. (۱۳۹۰). رابطه صمیمیت و تصویر بدنی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

- Amram, J & Drayer, C. (2007). The Development and Preliminary Validation of Integrated of Spiritual Intelligence scale (ISIS), Paolo, CA, Institute of Transpersonal Psychology, and Working Paper.
- Chronc. & Plahakova. A. (2009). Differences in marital satisfaction of men and women. Caska-a-Sdvenska- Psychiatric, 70-96.
- Emmons, R. A. (2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, Cognition and the Psychology of Ultimate Concern, *The international Journal for the Psychology of Religion (1)*, 3-26.
- Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad based measurement of individual success potential or emotional intelligence. *Genet, Social & General Psychology Monographs*, 126(2), 102-133.
- Schutte, N. S. & Malouf, M. (1998). Development and validation as a measure of emotional intelligence, *Personality and Individual Difference*, 25: 167-177.
- Tamaren, K. J. (2010). Factors of Emotional Intelligence associated with marital satisfaction, Ph.D., *Saint Louis University*, 222 pages.
- Zeidnre, M. & Kolda, Iris (2012). Emotional intelligence, conflict resolution patterns, and relationship satisfaction: Actor and partner effects revisited, University of Haifa, Mt. Carmerl.